

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

داکتر محمد ظاهر تیموری
المان – پانزدهم جولای ۲۰۱۳

«کودکان زندانی کشور»

تقدیم به همهٔ کودکان زندانی و کودکان نادار و بیچاره ای که در کودکی
به کار مجبور اند و نان آور فامیل خود هستند!!!

چند روز قبل تلویزیون به اصطلاح "ملی" افغانستان طی پخش اخبار روز، گفت :
«در چند ماه اخیر در ولایت قندوز در زندان زنانه آن ولایت، تعداد زندانیان از بیست نفر به
پنجاه نفر رسیده است.»
با پیشروی تمام نشان داده می شد که کودکان معصوم و بیچاره به آغوش و در کنار مادران شان
با لباس کهنهٔ پاره پاره و بدن نیمه برهنه قرار داشتند. با دیدن این واقعهٔ غیر انسانی قلب هر
انسانی که کمی احساسی از وطن و مردم خود داشته باشد، به درد می آید.
جای تعجب نیست، دولتی که از منافع سرمایه داران، ملاکان، کمپرادوران و امپریالیزم دفاع می
کند باید حال مردمش چنین باشد.
باربار نوشته ام و یک بار دگر می نویسم که دولت ارگان سیادت و سروری یک طبقهٔ معین
جامعه بر طبقات دیگر جامعه است. در جامعهٔ ما و فعلاً در هر جامعهٔ دیگر، دولت ارگان
حکمرانی زورمندان و مستبدان بر اقشار نادار و فقیر جامعه است.
دولت کنونی برای حفظ منافع خود و بادرانش با تمام وسایل در دست داشته مثل اردو، پولیس،
زندانها و شکنجه گاهها بر ملت و مردم فقیر و نادار جامعهٔ ما حکم می راند و ظلم روا می
دارد؛ اینست خصلت دولت.

از اینجاست که مفاهیم دیموکراسی و دیکتاتوری عرض وجود می کند و باز از آنجائی که در جوامع طبقاتی هیچ چیزی نیست که مَهر طبقاتی نخورده باشد، دیموکراسی و دیکتاتوری نیز شامل این قانونمندی طبقاتی می شود. یعنی همیشه باید سؤال شود که دیموکراسی برای کدام طبقه از افراد جامعه و یا دیکتاتوری بر کدام طبقاتی از افراد جامعه؟

دولت کنونی با اِعمال دیکتاتوری که خصلت ذاتی آنست برای کسب منافع خود و اربابانش بر مردم ما، بر کارگران، دهقانان، اهل کسبه و تمام اقشار رنجبر و محروم ظلم می کند و ستم روا می دارد. این دولت ظالم است، جانی و جنایتکار است. دیموکراسی، آزادی ثروت اندوزی و عیش و نوش برای اقشار بالائی در این دولت است، نه برای مردم و اکثریت طبقات پایانی جامعه ما.

اگر چنین نمی بود چرا هزاران نفر از توده های میلیونی ما به زندانها می رفتند، زنان و کودکان ما زندانی می شدند و یا چرا هزاران بیگناه کشته می شدند و یا کشور اشغال می گردید، و ...؟؟؟؟

وضع کودکان زندانی و هم وضع کودکان آواره و بیکار داخل شهرها هر دو یکیست. هردو گرسنه اند، هردو دور از سواد و مکتب اند و هردو مبتلا به امراض مختلف اند، هردو زیر ظلم و ستم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، قومی، نژادی، لسانی، دینی، مذهبی و اخلاقی قرار دارند.

کودکان آواره اند

کودکان بیخانه اند

کودکان بیچاره اند

کودکان بی لانه اند

کودکان در بند و در زولانه اند

کودکان محروم از آزادی اند

کودکان محروم از هر شادی اند

کودکان از زندگی ناراضی اند

کودکان مشغول در حمّالی اند

روزی رسد:

این کودکان برنا شوند

با علم نو آشنا شوند

روشنگر و دانا شوند

از وضع خود آگاه شوند

شور و قیام برپا شود

دولت ز جا بیجا شود

نظم نوی برجا شود

دیگر نبینی کودکان

در قید و بند جانیان!

به امید پیروزی!!!